

# موانع صدور انقلاب اسلامی در عربستان در ایام حج؛ رویکردی بر ساختار فرهنگ سیاسی

کرامت عبدلی<sup>۱</sup>

چکیده

حج از مهم ترین فریضه های دین اسلام، و از مهم ترین راه های صدور و معرفی انقلاب اسلامی به مسلمانان سراسر جهان است. اما در حکومت عربستان سعودی، همواره سعی شده است از صدور انقلاب اسلامی جلوگیری شود. در این مقاله، تبیین علل و عوامل مؤثر بر جلوگیری صدور انقلاب اسلامی و موانع پیش روی آن در ایام حج، مهم ترین پرسش مطرح شده خواهد بود. نویسنده معتقد است ساختار سیاسی و فرهنگ مذهبی عربستان که مبتنی بر مذهب وهابیت و نظام سلطانیسم است، در تقابل با مبانی مردمی و شیعی انقلاب اسلامی قرار دارد، و این امر، مهم ترین عامل جلوگیری عربستان از صدور انقلاب اسلامی است.

**واژگان کلیدی:** صدور انقلاب اسلامی، عربستان، وهابیت، ساختار سیاسی، فرهنگ مذهبی، نظام سلطانی.

## مقدمه

پرسش اصلی که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، عبارت است از اینکه مهم‌ترین موانع صدور انقلاب اسلامی ایران، در ایام حج در عربستان سعودی چیست؟ همچنین پرسش‌های دیگری از قبیل اینکه چرا عربستان سعودی از صدور انقلاب اسلامی هراس دارد و به مخالفت با آن می‌پردازد و اینکه مهم‌ترین راهکار و برنامه برای صدور انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حج برای صدور انقلاب اسلامی کدام است، و در نهایت، چرا حج برای صدور انقلاب اسلامی مورد تأکید است.

در فرضیات مطرح‌شده معتقدیم، حکومت پادشاهی عربستان، هم‌اکنون از استبدادی‌ترین حکومت جهان است که با توسل به زور و سرکوب مردم سر کار مانده است. حتی امپریالیسم نیز در این زمینه کمک‌های شایانی به عربستان کرده است؛ به‌گونه‌ای که خاندان آل سعود، از همان ابتدای تأسیس حکومت، در پیوند با ایدئولوژی و مذهب محمد بن عبدالوهاب و با حمایت و پشتیبانی استعمار انگلیس و سپس حمایت‌های آمریکا حکومت خویش تداوم بخشیده است.

مذهب وهابیت، بیشترین دشمنی را با تشیع دارد و رهبران وهابی، شیعیان را رافضی و خارج از دین می‌دانند. همچنین ساخت نظام سلطانی حکومت عربستان نیز قابلیت برتافتن مبانی مردمی و دموکراتیک انقلاب اسلامی را ندارد و آن را خطری برای حکومت موروثی خویش می‌بیند. در نهایت، وابستگی حکومت عربستان به امپریالیسم غرب هم که جمهوری اسلامی ایران در مخالفت با آن شکل گرفته، عامل دیگری است که عربستان را به مخالفت با صدور انقلاب اسلامی وامی‌دارد.

در بررسی پیشینه ادبیات و موضوعات نزدیک به این تحقیق باید گفت که تا کنون صاحب‌نظران و محققان کوشیده‌اند با روش‌های مختلف پژوهشی، سیاست‌های صدور

انقلاب اسلامی و علل و عوامل مؤثر بر آن را بررسی و کندوکاو کنند، اما علل و عوامل مؤثر بر صدور انقلاب اسلامی و موانع آن در ایام حج، کمتر مورد اشاره بوده است. لذا مهم ترین کارهای تحقیقی و پژوهشی که می تواند در راستای کلی این موضوع قرار گیرد، عبارت اند از: کتاب «سیاست صدور انقلاب اسلامی»، اثر علی فلاح نژاد که به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴ منتشر شد. این اثر با تبیین مبانی انقلاب اسلامی، راه های صدور انقلاب اسلامی و موانع پیش روی این امر را در دو مبحث داخلی و بین المللی مد نظر داشته است. «بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین الملل»، نام دومین کتابی است که محمدرضا دهشیری تألیف کرده است. «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان» کتاب دیگری است که علی عمرانی درگاهی به رشته تحریر درآورده است. برخی کتب و مقالات نیز در ارتباط با حج و کارکردهای آن تألیف شده است، اما به جرئت می توان گفت که هیچ یک درباره علل و عوامل مؤثر بر موانع صدور انقلاب اسلامی در ایام حج و در عربستان سعودی، آن چنان که شایسته و بایسته است، سخن نگفته اند. لذا نگارنده، با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی ساختار سیاسی و مذهبی حاکم در عربستان، به تلاش های این کشور و امپریالیسم غربی در جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان اسلام خواهد پرداخت.

### سلطانیسم، چارچوب نظری

سلطانیسم که برگرفته از اندیشه ماکس وبر است، مهم ترین چارچوبی می باشد که می توان با کمک آن به بررسی و تبیین موضوع و مسائل مقاله پیش رو پرداخت؛ زیرا نظریه نظام سلطانی با واقعیت های جامعه عربستان و حکومت آل سعود انطباق کاملی دارد. ماکس وبر در کتاب «اقتصاد و جامعه»، مفهوم سلطانیسم را به عنوان افراطی ترین شکل پاتریمونالیسم مطرح کرد. ماکس وبر این مفهوم را در چارچوب سه نوع اقتدار

عمده مطرح کرده است. او اقتدار را به سه دسته تقسیم می‌کند: سنتی، بوروکراتیک و کاریزماتیک. البته باید در کنار سلطانیسم از مفهوم «هرشافت»<sup>۱</sup> نیز در اندیشه وبر سخن بگوییم که اصطلاحی اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی اوست. این اصطلاح، معمولاً اقتدار یا سلطه ترجمه می‌شود و با اصطلاح اساسی قدرت، ارتباط دارد. قدرت به توانایی به انجام رساندن هدف، به رغم هرگونه مقاومت، و وادار کردن دیگران به انجام دادن آنچه ما می‌خواهیم، اشاره دارد. اقتدار به وضعیتی اشاره دارد که در آن، افراد از نظر عموم مردم، دارندگان به حق مشروع قدرت پنداشته می‌شوند. وبر هرشافت را ویژگی اساسی و تغییرناپذیر جهان سیاست می‌دانست. این، هم در مورد رژیم‌های دموکراتیک صدق می‌کند و هم رژیم‌های غیردموکراتیک.<sup>۲</sup>

وبر در اقتصاد و جامعه، سه نوع آرمانی سلطه و اقتدار مشروع را بیان می‌کند:

- اقتدار سنتی که براساس توسل به رسم و عادات تاریخی است؛

- اقتدار فرهمندان که وفاداری و سرسپردگی به رهبر را به همراه دارد و بر

ویژگی‌های خارق‌العاده و توانایی‌هایی استوار است که تصور می‌شود آن فرد دارد؛

- اقتدار عقلانی - قانونی که وفاداری به حاکمیت غیرشخصی قانون و اطاعت از آن

را توصیه می‌کند.

او معتقد است که در جهان معاصر، اقتدار عقلانی - قانونی، نوعی اقتدار است که با

بوروکراسی ارتباط دارد.<sup>۳</sup>

بدین‌سان است که باید گفت، در نوع سنتی، اقتدار کاملاً متکی به پذیرش

سنت‌هاست. یک سرور یا حاکم، فقط می‌تواند در چارچوب سنت‌های پذیرفته شده

1. Herrschaft.

۲. متفکران بزرگ جامع‌شناسی، راب استونز، ترجمه مهرداد میردامادی، ۱۳۸۵، ص ۶۶.

۳. همان.

عمل کند. حالا اگر در جایی زیاده‌روی کند یا ضعیف عمل کند، آن بحثی جداست؛ ولی نمی‌تواند جدا از آن محدوده عمل کند. در سنت سیاسی، حاکمیت سلطنتی به عنوان نوعی اقتدار سنتی مطرح است؛ اما وبر می‌گوید آنجا که سرور، پایش را از سنت‌ها فراتر می‌گذارد و در عمل، قائم به شخص می‌شود، باید مفهوم سلطانیسم را به کار برد؛ یعنی اینکه سرور یا حاکم، دیگر مقید به سنت‌ها نیست. اگرچه مشروعیت خود را از سنت‌ها گرفته باشد.<sup>۱</sup>

رهبران نظام‌های سلطانی، از آنجا که حکومت‌هایی نامشروع دارند، برای توجیه کردن نظام خود غالباً ایدئولوژی‌ای را اختراع می‌کنند که مرجعیت، آنها را به عنوان تنها عامل اقتدار خدشه‌دار نکند. «برخی فرمانروایان نظام‌های سلطانی چیزی را به وجود می‌آورند یا نویسندگانی را واداشته‌اند که آن را به وجود آورند که دوست دارند آن را ایدئولوژی بنامند. اما کافی است به جاذبه‌ای که ایدئولوژی‌های توتالیتر برای روشنفکرانی که تحت حاکمیت آنها نیستند، برای جوانان، و برای دانشجویان بیندیشیم تا فقدان هر چیزی را که اندک شباهتی با ایدئولوژی داشته باشد، در نظام سلطانی درک کنیم. افرادی که تابع حاکمیت آنها نیستند، حتی بیشتر حامیان آنها و احتمالاً خود فرمانروایان، این تلاش‌های ایدئولوژیک را جدی تلقی نمی‌کنند. آنها شبه ایدئولوژی هستند. رهبران نظام‌های سلطانی، هنگامی که نیاز به مشروعیت بخشیدن ایدئولوژیک نظام خود را حس می‌کنند، اغلب ایدئولوژی‌ای را برمی‌گزینند که در عین بازتاب‌دادن شخص‌گرایی نظام، نام فرمانروا را نیز بر خود دارد.<sup>۲</sup> این مسئله در تاریخ معاصر عربستان و حکومت خاندان آل سعود، از عینیت کاملی برخوردار است.

بنابراین، سلطانیسم طبق تعریف وبر، آن‌گونه از اقتدار سیاسی پاتریمونینال (سنتی

۱. «کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سلطانیسم ایرانی»، عباس، منوچهری، ۱۳۷۶، ص ۱۳.

۲. نظام‌های سلطانی، خوان لینز و هوشنگ شهابی، ۱۳۸۰، صص ۳۶ - ۳۹.

- موروثی) است که قدرت به شکل کاملاً شخصی و طبق اراده حکمران و فارغ از قیود و محدودیت‌های ناشی از قانون (چه به شکل شرع و چه به شکل قانون عرفی) و دیوان سالاری و نهادهای مدنی (مانند مجمع بزرگان یا پارلمان) و حتی سنت اعمال می‌شود. در این ساختار:

- نظام سیاسی بر بنیاد رهبری موروثی حکمران و خاندان او سامان می‌یابد؛

- تمایز روشنی میان دولت و اعضای خاندان حکمران وجود ندارد؛

- کارگزاران، تابع، مطیع و وفادار به شخص فرمانروا هستند، نه به دولت و نظام

سیاسی؛

- کارگزاران حکومتی آزاد نیستند و پایگاه مستقل سیاسی ندارند. برخلاف نظام

طبقه‌سالار غرب که اشراف فئودال از پایگاه، و به تبع آن از استقلال سیاسی

برخوردارند؛

- حکومت کاملاً متمرکز است. برخلاف نظام طبقه‌سالار فئودالی غیرمتمرکز در غرب؛

- دستگاه اداری، فاقد ساختار منظم مبتنی بر سلسله مراتب است؛

- کارگزاران حکومتی به شکل دلخواه و ناسامان‌مند وظایف خود را انجام می‌دهند و

بر آنان نظارت سازمان‌یافته اعمال نمی‌شود و از آنجا که رابطه‌شان با حکمران، مشابه

رابطه بنده با ارباب است، نمی‌توانند به‌طور یک‌جانبه و بدون موافقت فرمانروا از

شغل خود کناره‌گیرند. در این ساختار، ارتقای فرد بر اصل وفاداری به حکمران مبتنی

است و کارگزاران، طبق سلیقه و علاقه شخصی او، نه شایستگی و ارشدیت،

برکشیده می‌شوند.<sup>۱</sup>

در مجموع می‌توان گفت، مطابق سلطانیسم، حاکمیت سلطانی است و به دلیل اینکه

۱. «سلطانیسم ماکس وبر و انطباق آن بر عثمانی و ایران»، عبدالله شهبازی، ۱۳۸۲، ص ۱۰.

سنت سلطنت را احیا می‌کند، مشروعیتش را از آنجا می‌گیرد؛ اما از شیوه‌های مدرن نیز استفاده می‌کند.

علاوه بر این، سلطانیسم ویژگی‌های جدایی‌ناپذیری دارد که در بررسی جامعه‌شناختی، این‌گونه نظام‌ها از آنها به ویژگی‌های همزاد تعبیر می‌کنند:

۱. پایگاه اجتماعی محدود نظام سلطانی؛ فرمانروایان نظام‌های سلطانی، نخستین بار با حمایت گروه‌های کاملاً مشخص به قدرت می‌رسند.

۲. خودکامگی (ریاکاری قانونی)؛ فرمانروایان پاتریمونیال که مدعی اقتدار سنتی هستند، بر نظام‌های سیاسی مبتنی بر قواعدی که به لحاظ تاریخی به صورت قانون درآمده‌اند - به ویژه قوانین عرفی - تکیه می‌کنند و عموماً قوانین اساسی مدرن را نادیده می‌گیرند. ظاهر قانونی نظام‌های سلطانی، به این معناست که آنها به قوانین اساسی احترام می‌گذارند؛ اما در اصل، خودکامگی اعمال می‌شود.

۳. اتکا به قدرت خارجی؛ ویژگی مذکور نتیجه پایگاه اجتماعی محدود نظام‌های سلطانی است و بر همین اساس، رهبران نظام‌های سلطانی حمایت ابرقدرت خاص را جانشین پایگاه قدرت داخلی می‌کنند.

۴. اتکا به ایدئولوژی ناسیونالیسم.

۵. کیش‌گرایی یا شخصیت‌گرایی.

۶. تیره‌شدن و آمیختگی مرز میان نظام و ملت؛ در نظام‌های سلطانی، شخص مسئول صرفاً در برابر سلطان و نه در برابر مردم، پاسخ‌گوست. از طرف دیگر، در این نوع نظام‌ها امنیت شغلی وجود ندارد و یک فرد مسئول، به سبب تمرد از سلطان یا عدم اعتماد شاه، به راحتی برکنار می‌شود.

۷. ایجاد شبکه حامی‌پرور؛ نظام‌های سلطانی، به دلیل احساس کمبود مشروعیت، از طریق حمایت‌های مالی، یک شبکه اقتصادی برای رفع بحران‌های نظام ایجاد می‌کنند

تا در مواقع لزوم، ضمن استفاده از آن، با اتخاذ سیاست حمایت‌های اقتصادی و رفاهی، کسب مشروعیت کنند. اما باید توجه داشت که نظام‌های سلطانی، از لحاظ میزان نفوذ شبکه حامی‌پروری در جامعه مدنی و جذب نخبگان اجتماعی از طریق پاداش‌های مادی، با یکدیگر فرق دارند.

۸. توسعه اقتصادی نامتوازن یا سرمایه تحریف‌شده؛ برخی نظام‌های سلطانی دوره‌هایی از رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای را می‌گذرانند؛ اما در درازمدت، شخص‌گرایی و فساد نظام سیاسی، بر توسعه اقتصادی آنها اثر منفی برجای می‌گذارد.

۹. فساد؛ با بررسی نظام‌های سلطانی به نظر می‌رسد که از ویژگی‌های ذاتی این نوع نظام‌ها فساد است.

۱۰. بحران حاکمیت؛ از دیگر ویژگی‌های نظام‌های سلطانی در سراسر تاریخ معاصر، موضوع استقلال مبهم آنهاست؛ چراکه آنان اغلب مورد احترام همسایگان قدرتمندتر خود قرار نداشتند. بنابراین از نظر توسعه سیاسی، این حکومت‌ها بحران‌های حاکمیت مداومی را متحمل نشده‌اند.<sup>۱</sup>

## مهم‌ترین علل مخالفت عربستان با صدور انقلاب اسلامی ایران

### ۱. ساختار سیاسی عربستان سعودی

ساختار سیاسی و حکومت حاکم در عربستان که باید در قالب نظام سلطانیسم به توجیه و تبیین آن پرداخت، در سال ۱۷۴۴م و در پیمانی مشترک میان محمد بن سعود و محمد بن عبدالوهاب شکل گرفت<sup>۲</sup>؛ خاندان سعودی، امور سیاسی و اجرایی، و خاندان

۱. «پهلوی‌ها و سلطانیسم ماکس وبر»، حسن شمسینی غیاثوند، ۱۳۸۷، ص ۷۸.

۲. ر.ک: تاریخ العربیة السعودیة، الکی فاسیلیف، ۱۳۸۷، الترجمة، خیری الضامن، جلال الباطشة، ۱۹۸۶م؛ عربستان سعودی، ویلیام گودوین، مترجم فاطمه شاداب، ۱۳۸۳.



محمد بن عبدالوهاب امور مذهبی و فرهنگی آن را میان خویش تقسیم کردند. اما تأسیس حکومت عربستان در سال ۱۹۳۲م، به وسیله محمد بن سعود و با تمرکز بر آموزه های وهابیت صورت گرفت که مذهب رسمی کشور عربستان را شکل می دهد و شعار اصلی خود را بازگشت به اسلام سلف، با رد هرگونه شرک و خرافات، اعلام کردند.

حکومت عربستان، به حق شکل افراطی شده نظام های پاتریمونیل (سلطنتی - موروثی) است، که مشروعیت خود را از حق مالکیت اعضای خاندان سلطنتی که به صورتی موروثی به آنها رسیده، کسب می کند. لذا سنت و قوانین عرفی، از طریق الگوها و سلسله مراتب خود، توجیه کننده ساختار قدرت در این نظام است.

در نظام سلطانی عربستان، رابطه افراد با حکومت، نه مبتنی بر تعهد و مسئولیت افراد در قبال قانون، بلکه بر ترس از شخص حاکم و وفاداری به او مبتنی است. بنابراین در عربستان، قانون و حق مشارکت مردم، به گونه ای که بتوانند در قانون گذاری و اداره مملکت نقشی داشته باشند، کاملاً ملغاست. از همین رو دموکراسی در عربستان، یک صیغه ممنوع و حرام است. لذا حکومت در عربستان سعودی، از مردم و مشکلات و آرزوهای آنها کاملاً به دور است و مثل پلیسی می ماند که اموال و دارایی های این مردم را به سرقت می برد. در حقیقت، دموکراسی در عربستان سعودی در خاندان آل سعود ذوب شده است. دموکراسی در واقع یک عامل خارجی نیست، بلکه یک نیاز داخلی است که هر جامعه ای به آن نیاز دارد.<sup>۱</sup>

وجود چهار هزار شاهزاده در عربستان باعث شده است که آنها تمام مسئولیت ها و مراکز قدرت را در اختیار خود داشته باشند. برای مثال، تمام وزارتخانه های مهم، از قبیل دفاع، خارجه و کشور، به وسیله شاهزادگان اداره می شود. همچنین ریاست شورای عالی در وزارتخانه های خدماتی نیز بر عهده آنهاست. شورای عالی تبلیغات، سیاست

۱. السعودیه بین الاستبداد والديمقراطيه، محمد عبدالمجيد، [www.cdhrab.net/com/org](http://www.cdhrab.net/com/org)

کلی وزارتخانه‌ها را تعیین می‌کنند و فرماندهی عملیات را در بخش‌های مختلف نیروهای مسلح و پایگاه‌های نظامی در اختیار دارند. تنها از سال ۱۹۹۳ م که اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی، بعد از نوشتن قانون اساسی در سال ۱۹۹۲ آغاز شد، ملک فهد، پادشاه سابق عربستان سعودی، انتصاب دویست نفر را برای نمایندگی مجالس محلی در سرتاسر کشور تأیید کرد. در این بین، یک کرسی به یک نفر از شیعیان در مجلس مشورتی شورا داده شد. این شورا نیز صرفاً وظیفه مشورتی دارد و سیاست‌گذاری در عربستان سعودی، همچنان در دست دولت است که عمدتاً تحت تسلط اعضای خانواده حاکم آل سعود قرار دارد.<sup>۱</sup>

بنابراین ساختار توتالیتر و استبدادی نظام سیاسی حاکم در عربستان، از مهم‌ترین اختلافات و علل مؤثر در مخالفت این کشور با صدور انقلاب اسلامی است که برخاسته از مردم و مشارکت سیاسی شهروندانش است.

## ۲. وهابیت، مذهب حاکم در عربستان

وهابیت، ایدئولوژی رسمی حکومت سعودی است که از قرن هیجدهم تا کنون پایه‌های مشروعیت مذهبی و سیاسی رژیم سعودی را فراهم کرده؛ به گونه‌ای که پیوندی استراتژیک و تاریخی میان حکومت و مذهب وهابیت برقرار است. پایه‌گذار وهابیت، محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان در سال ۱۱۱۵ ه. ق در شهر «عُیینه» از شهرهای «نجد» متولد شد و در سال ۱۱۷۱ ه. ق وفات یافت. دکمجیان معتقد است محمد بن عبدالوهاب را می‌توان «خلف معنوی بلاواسطه ابن تیمیه از میان نظریه‌پردازان و فعالان گروه دمشق دانست که پس از یک وقفه چهارقرنی، مکتب حنبلی را احیا کرد».<sup>۲</sup>

۱. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن، مجله اخبار شیعیان، ۱۳۸۷، ص ۵۵.

۲. جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، هرایر دکمجیان، ترجمه حمید احمدی، ۱۳۸۸، ص ۸۱.

مهم ترین ویژگی این مذهب، نفی مذاهب اسلامی و دعوت مسلمانان به پیروی محض و بدون اندیشه و تفکر از گذشتگان است. وهابیان مسلمانان را به «اسلام بلا مذهب» دعوت می کنند. در این مذهب جدید، هیچ یک از مذاهب اسلامی به رسمیت شناخته نمی شود و صرفاً تقلید از سلف (قرون مفضله)، محتوای اصلی آن را شکل می دهد. سلفیان در حالی مسلمانان را به کنار گذاشتن مذاهب خود دعوت می کنند که خود، مذهب جدیدی به نام «سلفی گری» ایجاد کرده اند؛ بدعتی که هیچ پیشینه ای در میان مذاهب اسلامی ندارد.<sup>۱</sup>

وهابیت زیر چتر حمایت آل سعود از نظریه توحید دفاع می کند و براساس این نظریه، محمد بن عبدالوهاب، بندگی را فقط برای خداوند متعال می داند. گفتنی است خاندان آل سعود هم به پایگاهی برای حمایت از وهابیت تبدیل شده و بر این اساس، مشروعیت خود را بنا نهادند. بنابراین وهابیان، نه تنها توسل، بلکه تقدس اولیای الهی و همچنین شفاعت را مردود می دانند. محمد بن عبدالوهاب مدعی بود اولین کسانی که شرک را وارد دین کردند، رافضی ها بودند که با مطرح کردن علی علیه السلام به عنوان امام اول، عقاید نادرست را ترویج کردند.<sup>۲</sup>

وهابیت، که خود را جزء مذهب تسنن می داند، دشمنی و مخالفت عمیق و جوهری با آموزه های شیعه و شیعیان دارد. این مخالفت که تا سر حد جنون و دشمنی بی چون و چرا اوج می گیرد، به نحوی است که از نظر وهابی ها شیعیان کافرند و مروّج شرک معرفی می شوند. شیعیان از اصول توحید تجاوز کرده و مرتکب گناه بدعت شده اند؛ گناهی که مجازات آن مرگ است. ادعاهای اخیر شیوخ وهابی مثل محمد العریفی، الغامدی و بسیاری دیگر، گویای این واقعیت است.<sup>۳</sup>

۱. درسنامه وهابیت، پیدایش، جریان ها و کارنامه، سید مهدی علیزاده موسوی، ۱۳۹۲، ص ۲۲.

۲. شیعیان در جهان عرب مدرن عربستان سعودی، فؤاد ابراهیم، مترجم رضا سیمبر، ۱۳۸۷، ص ۳۶.

۳. الحقوق المشروعة للمواطنين الشيعة تبدأ من هنا، احمد علی الشمر، سایت شمس العوامية، ۲۰۱۱/۴/۱۵.

تقلید و تقلید محض به سلف صدر اسلام، از مهم ترین مبانی و مؤلفه های وهابیت است. همچنین وهابیت و سلفی گری، با نادیده گرفتن عقل، نگاهی افراطی به نقل دارد. در نگاه سلفیان، در کشف مسائل و معارف دینی، تنها روش نقلی مشروعیت دارد. تفاوتی که این گروه با دیگر مسلمانان دارند، در نگاه عام و استفاده مطلق و بی قید و شرط از این روش است. به این معنا که شرط های لازم روش نقلی مانند بررسی وضعیت ناقل، و شرایط نقل، سند و درایت، برای ایشان اهمیت ندارد.<sup>۱</sup>

برخی از مهم ترین مبانی فکری و مذهبی وهابیت به شرح ذیل است که نه تنها در تضاد با آرا و اندیشه های حاکم بر تشیع و انقلاب اسلامی است، بلکه با آرا و اندیشه های اهل تسنن نیز در تضاد و اختلاف است:

۱. از نظر وهابی ها هرگاه کسی شهادتین را بر زبان جاری کند، ولی بدان عمل نکند، ارزشی ندارد و چنین کسی کافر و مشرک، و خون و مال او حلال است.
۲. وهابیان به اصل اجتهاد آزاد معتقدند و تقلید از مذاهب چهارگانه را لازم نمی دانند، بلکه برخلاف آن مذاهب، اجتهاد می کنند.
۳. وهابی ها با استدلال به ظاهر برخی آیات و روایات، برای خداوند جسم و جهت اثبات کردند و به رؤیت حسی خداوند قائل اند.
۴. محمد بن عبدالوهاب معتقد بود که تمام اعمال مسلمانان به حد شرک رسیده است و از این رو وی مسلمانان سنی و شیعه ای را که دیدگاه های او را قبول نداشتند، تکفیر می کرد.
۵. آنان فضایل انبیا و اولیای الهی را انکار می کنند.<sup>۲</sup>

۱. درسنامه وهابیت، پیدایش، جریان ها و کارنامه، سید مهدی علیزاده موسوی، ۱۳۹۲، ص ۶۳.

۲. از نظر وهابی ها نه عیسی بن مریم می تواند مریض را با اذن خدا شفا دهد و نه آصف بن برخیا می تواند تخت بلقیس را حاضر کند. نه سلیمان فهم درک زبان مورچه ها را دارد و نه پیامبر اکرم ﷺ می تواند از آینده (غیب) خبر دهد. دیگر مسلمانان با توجه به آیات قرآن که در این باره وارد شده است، همه این موارد را قبول دارند.

۶. وهابیان، زیارت قبر انبیا و اولیا و سفر به قصد زیارت قبور آن بزرگواران را حرام می‌دانند.  
۷. سوگنددادن خداوند به حق مقام اولیا، از نظر وهابی‌ها حرام و موجب شرک است.  
۸. وهابی‌ها، نذر برای مردگان و اهل قبور و اولیا را شرک می‌دانند.  
۹. توسل، شفاعت، تبرک‌جستن به پیامبر ﷺ، استغاثه و طلب حاجت از پیامبران و اولیا و جشن گرفتن میلاد پیامبر اکرم ﷺ از نظر وهابیت جایز نیست؛ ولی اهل سنت همه اینها را جایز می‌دانند.

۱۰. وهابی‌ها گریه بر میت را جایز نمی‌دانند.

۱۱. وهابی‌ها ساخت بنا روی قبرها را حرام می‌دانند.

۱۲. از نظر وهابی‌ها عزاداری برای مرده حرام است.<sup>۱</sup>

روشن است که مذهب وهابیت، با تشیع و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، کاملاً در غیریت و تضاد است. برای همین انقلاب اسلامی و صدور آن به عربستان یا سایر کشورهای اسلامی که مساوی با آموزه‌ها و اعتقادات شیعیان است، زنگ خطری برای وهابیت و حکومت برخاسته از آن است که سلطانیسم عربستان، قابلیت برتافتن آن را ندارد.

### ۳. وابستگی عربستان به امپریالیسم غرب

خاندان آل سعود، از همان ابتدای تلاش‌های خویش، برای ایجاد حکومت در عربستان و برای مقابله با سایر طوایف و قبایل، به ویژه برای مقابله با نیروهای نظامی خلافت عثمانی، به استعمار انگلیس متوسل شدند. منطقه‌ای که تمام پادشاهان آن، به درجات متفاوت همکاری و وابستگی به آمریکا اعتبار اعطا کرده‌اند. از سال ۱۹۳۸ که نفت به وسیله کمپانی شوروی کشف شد، تا به امروز، در صورتی که تحریم نفتی ۱۹۷۳ را یک استثنا محسوب کنیم، برای دهه‌های متمادی، عربستان کینی فراتر از یک

۱. تبارشناسی و جریان‌شناسی وهابیت، ۱۳۸۹، صص ۲۵ و ۲۶.

شعبه منطقه‌ای غول‌های نفتی آمریکا محسوب نمی‌شد. اما محققاً برای درک روابط و فهم کیفیت تعاملات عربستان و آمریکا نیاز به ترسیم یک تصویر کلان‌تر است. در این تصویر، آمریکا و عربستان، هر دو به شدت به یکدیگر وابسته‌اند و تنیدگی منافع، به طرز فزاینده‌ای، جلوه‌گری می‌کند.<sup>۱</sup> این وابستگی، برخاسته از منابع و ذخایر عظیم نفت و گاز در عربستان است؛ چون عربستان حدود یک‌چهارم ذخایر اثبات شده نفت جهان<sup>۲</sup> را در اختیار دارد و از این منظر، اوضاع سیاسی و ثبات یا ناامنی در این کشور نفت خیز، از اهمیت زیادی برای قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا برخوردار است.<sup>۳</sup>

بنابراین سلطانیسم عربستان از ۱۹۳۲ تا کنون، کمترین چالشی را متوجه آمریکا برای بقای سلطنت ننموده است. از همان آغاز، خط‌کشی‌ها در تمام حیطه‌ها از نظر حاکمان عربستان، کاملاً مشخص و بدون شبهه بوده است. این شفافیت موضوع و اجماع نظر پادشاهان عربستان در خصوص آشکار و محرز بودن اهمیت کلیدی آمریکا باعث شده است که روابط دو کشور، کمتر دچار تلاطم شود. ایالات متحده آمریکا، در پی حذف رژیم بعثی عراق، به تهدید موهوم جدیدی ضد امنیت منطقه نیاز دارد و درصدد است ضمن جلوگیری از بهبود روابط ایران با کشورهای عربی که برای توسعه اقتصادی ایران حیاتی است، با گسترش جو بی‌اعتمادی بین این کشورها زمینه را برای تداوم حضور نظامی خود در منطقه حفظ کند. در این زمینه، آمریکا نه به دنبال همکاری، بلکه به دنبال کنترل منطقه است.

آمریکا از همان آغاز کشف نفت در سال ۱۹۳۸، متوجه اهمیت عربستان برای رشد

۱. «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، حسین دهشیار، ۱۳۹۲، ص ۵۱.

۲. در حدود ۲۶۲ میلیارد بشکه.

۳. «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، محمود واعظی، ص ۲۳.

اقتصادی و تداوم حرکت چرخ‌های صنعت در غرب بوده است. آمریکا خواهان ثبات در عربستان بود تا جریان نفت از عربستان به غرب قطع نشود و عربستان نیز ثبات، دغدغه اصلی اش بود تا امنیت را برای خود تضمین کند. نیاز عربستان به امنیت و وظیفه آمریکا به عنوان رهبر جهان غرب، برای سیراب کردن عطش جوامع صنعتی به انرژی، تنیدگی منافع دو کشور را اجتناب‌ناپذیر ساخت.<sup>۱</sup>

#### ۴. رقابت منطقه‌ای عربستان با ایران برای کسب قدرت منطقه‌ای

در سطح منطقه‌ای، عربستان درباره افزایش نقش ایران در افغانستان، لبنان، فلسطین و به‌ویژه عراق، نگران است. تحولات چند سال گذشته در منطقه خاورمیانه که موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و شیعیان شد، اسباب نگرانی پادشاهی سعودی در مورد کاهش نقش و نفوذ خود در منطقه را فراهم آورده است. این نگرانی‌های اخیر، به همراه حساسیت و سوءظن‌های همیشگی عربستان به ایران، واکنش‌هایی را از سوی ریاض، به منظور تغییر در معادلات منطقه، برانگیخته است. در گذشته همواره ایران، عربستان سعودی و عراق، به عنوان سه کشور مهم و تعیین کننده در منطقه خلیج فارس مطرح بودند و توافق دو کشور از این سه کشور، کافی بود تا اثر گذاری لازم بر مسائل و تحولات مهم منطقه صورت گیرد. از این رو عربستان می‌کوشد که از عراق به عنوان ابزاری برای ارتقای نقش خود در منطقه استفاده کند. حساسیت عربستان درباره افزایش نقش ایران و شیعیان در عراق، از این زاویه اهمیت می‌یابد. عربستان همواره خود را در نقش یک مدافع تمام‌عیار اهل سنت تعریف کرده است و نسبت به کاهش نقش سنی‌ها در عراق، لبنان یا کشورهای همجوار خود مانند بحرین، حساس و نگران است.<sup>۲</sup> این همه

۱. «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، ص ۵۱.

۲. «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، ص ۲۳.

در حالی است که نقش و جایگاه عربستان سعودی، به عنوان برادر بزرگ تر کشورهای عربی، و نیز وجود حرمین شریفین در این کشور، بسیار حایز اهمیت است؛ کشوری که بزرگترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد و بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده نفت است. از این رو قدرت‌های بزرگ جهانی، توجه ویژه‌ای به آن دارند. تا پیش از این، عربستان از جایگاه ویژه‌ای در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برخوردار بود که دلیل آن تا اندازه زیادی به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و خارج شدن کشورمان از مدار غرب مربوط بود. لذا در این دوران، هراس بی‌مورد کشورهای کوچک عرب از ایران و همچنین وقوع انقلاب اسلامی، موجب گرایش بیشتر این کشورها به عربستان شد و عربستان تا اندازه ای توانست، هژمونی خود را به صورت یکپارچه بر پنج کشور شورای همکاری خلیج فارس تسری داده، نقش منطقه‌ای برجسته‌ای بیابد.<sup>۱</sup>

بنابراین، باید گفت که موقعیت مهم و ژئوپولتیک برجسته عربستان در جهان اهل سنت، برخاسته از وجود حرمین شریفین و حمایت‌های مداوم عربستان از سنی‌هاست که البته این حمایت‌های بی‌دریغ عربستان نیز ریشه در منابع غنی نفت و گاز این کشور دارد. «با توجه به نقش مذکور، در صورتی که سعودی‌ها احساس کنند ایران خواستار برتری و تسلط مطلق در منطقه و نادیده‌انگاری نقش عربستان است، با تشدید تنش‌های شیعی - سنی، برای محدود کردن نفوذ ایران در منطقه، به ویژه در میان ملت‌های عرب استفاده می‌کنند».<sup>۲</sup> حتی با کافر خواندن ایرانیان و شیعیان، برای کسب قدرت منطقه‌ای، به اسرائیل نیز متوسل می‌شوند؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۱م، بن جبرین، عالم رده بالای سعودی، با صدور فتوایی بر کافر بودن شیعیان تأکید کرد، درحالی‌که رهبر اعلامی مفتیان عربستان، بن باز، طی حکمی جواز صلح با اسرائیل را به بهانه برقراری امنیت و

۱. «عربستان؛ بیداری اسلامی و دیکتاتوری عربی»، ماه پیشانیان، ۱۳۹۰، ص ۳۵.

۲. «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، ص ۲۳.



خودداری گروهی از آزار و اذیت گروه دیگر صادر کرد. وی همچنین اقدام به داد و ستد و مبادله سفرا و سایر موارد را به شرطی که متضمن ابراز دوستی با آنان نباشد، جایز شمرد.<sup>۱</sup>

عربستان، همچنین با کمک‌های فراوان برای روی کار آوردن طالبان در افغانستان، سعی داشت که قدرت خود را به رخ دیگران بکشد، و تا آنجا پیش رفت که در آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ کرده بود. اما هم‌اکنون با توجه به اوضاع پیش‌آمده در منطقه خاورمیانه و آغاز بیداری اسلامی، عربستان برخلاف گذشته که نقش و جایگاه خاصی را برای خود تعریف می‌کرد، طی سال‌های اخیر، چنین قدرتی رو به افول نهاده و نقش کشورهای غیرعرب منطقه مانند ایران و ترکیه رو به افزایش گذارده است.

#### ۵. شکل‌گیری جنبش‌های شیعی در عربستان

شیعیان عربستان، از مهم‌ترین اقلیت‌های مذهبی در این کشورند که حدود پانزده درصد از جمعیت عربستان را شکل می‌دهند و همواره حکومت با دیده تردید به آنان نگریسته و کوشیده است با سختگیری‌های توتالیتری از نزدیکی آنها به جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند. شیعیان از سوی حکومت در تنگنا و مضیقه قرار داشته‌اند، ولی همواره به اصول و عقاید خویش پایبند بوده و تا سر حد امکان سعی در حفظ اصول و مبانی اعتقادی خویش داشته‌اند. برای همین نیز همواره میان شیعیان و حکومت وهابی درگیری وجود داشته است. اما با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شیعیان عربستان نیز تأثیرات بسزایی گرفته و اقدامات زیادی علیه حکومت وهابی آل سعود انجام داده‌اند. از همین روست که اریک رولو، مفسر روزنامه معروف و پرتیراژ لوموند، می‌نویسد:

۱. شیعیان در جهان عرب مدرن عربستان، ص ۹۸.

شیعه به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی حرکت در مکه، دل و جرئت بیشتری پیدا کردند و روز ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹، مراسم روز عاشورا را که در عربستان سعودی ممنوع است، برگزار کردند. جمعیت که عکس‌های امام خمینی (ره) را در دست داشت، به سوی قطیف و احسا و دیگر آبادی‌های ایالت شرقی حرکت کردند و در درگیری‌های به وجود آمده با گارد ملی، ۳۶ تن از آنان کشته شدند. جمعیت، سه روز تمام در حال طغیان بود؛ آنها بانک‌ها و مؤسسات دیگر را به آتش کشیدند و علیه رژیم سلطنتی شعار دادند و در اعلامیه‌ها از مردم برای سرنگونی رژیم سعودی دعوت کردند. پس از بازداشت شدن صدها نفر، سرانجام آرامش در منطقه برقرار شد. اما درخواست شیعیان پذیرفته نگردید و دولت سعودی صرفاً برای ظاهرسازی، دست به اقدام مزورانه زد تا اسلامی بودنش را ثابت کند؛ از جمله آرایشگاه‌های زنانه را تعطیل کرد و گویندگان زن را از تلویزیون دولتی اخراج نمود و چند تن از مقامات دولتی منطقه شرقیه را عزل کرد.

علی المرزوق، فعال شیعی دیگر که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ زندانی بوده، می‌گوید: «پس از انقلاب اسلامی ایران، شیعیان تظاهرات کردند تا بتوانند روزهای تولد امامان خود را جشن بگیرند که در همین زمان، بسیاری از آنان دستگیر شدند. این مسائل منجر به دستگیری و مهاجرت عده بسیاری شد؛ به این ترتیب که آنان به ایران پناهنده شدند.<sup>۱</sup>»

دیلیت هیرو، روزنامه‌نگار پاکستانی، اولین بازتاب‌های انقلاب اسلامی در عربستان

را در مناطق نفتی و شیعه‌نشین چین شرح می‌دهد:

در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (آذر ۱۳۵۸) گروه عظیمی از شیعیان متشکل از چهارصد هزار نفر، تحریم طولانی عزاداری عاشورا را شکستند و این برای مسئولان زنگ خطری

۱. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن. مجله اخبار شیعیان، ۱۳۸۷، ص ۵۰.

بود. مراسم عاشورا همراه با تظاهرات در هشت شهر منطقه نفتی برگزار شد. پس از این وقایع بود که سازمان انقلاب اسلامی شیعیان شبه جزیره عربستان پدیدار گشت.<sup>۱</sup> مهم ترین جنبش ها و سازمان های شیعی که به تبعیت از انقلاب اسلامی، در مخالفت با حکومت در عربستان شکل گرفتند، عبارت اند از:

#### الف) جنبش طلایه داران مبلغ

در دهه ۱۹۷۰م، جنبش طلایه داران متأثر از اندیشه های آیت الله شیرازی که مبنی بر آزادی بیان، تکثر سیاسی، تمدن اسلامی و امت مؤمن به احکام و پایبندی به اصول و مبانی اسلامی بود، در عربستان شور و هیجانی علیه حکومت به راه انداخت که احیای شیعیان و رونق فعالیت های فکری و سیاسی آنها را به دنبال داشت. در سال های دهه ۱۹۷۰م، گروهی از واعظان سرشناس و متنفذ مکتب آیت الله شیرازی به استان شرقی رفتند و به ایراد مجموعه ای از خطابه ها و سخنرانی ها در حسینیه های نقاط مختلف «قطیف» و «احسا» پرداختند. بیشتر این واعظان مقیم کویت بودند که از میان آنها می توان به «سید مورتاد قزوینی»، «سید هادی مدرسی»، «شیخ صاحب الصادق»، «شیخ یوسف المهدی»، «شیخ حسن خویلدی» و همچنین دو شخصیت اثرگذار در آینده جنبش شیعیان، یعنی «شیخ حسن الصفار» و «شیخ توفیق السیف» اشاره کرد.<sup>۲</sup>

#### ب) سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان

سازمان مذکور نیز که به تأثیر از عقاید سید محمد شیرازی تأسیس شد، به جای حمایت از خشونت، خواستار تعلیم و آگاهی دادن به توده ها بود. شاخه سعودی این سازمان، فعالیت خود را در سال ۱۳۹۵ق (۱۹۷۵م) علنی کرد. رهبران سازمان، به سهم

۱. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن.

۲. ر.ک: ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان و اقلیت های دینی، علی حق شناس کمیاب، ۱۳۸۹.

جوانان و زنان، اعتقاد خاصی داشتند. سازمان، بیشتر افراد طبقه متوسط و پایین جامعه را به خود جذب کرد و گستره عضویت خود را فقط به عربستان محدود نکرد. با الهام گرفتن از پیروزی نهضت امام خمینی علیه السلام و تعالیم نظریه پردازان جنبش مبلغان طلایه‌دار، رهبران سازمان موفق شدند حمایت‌های مردمی را کسب، و خشم و نارضایتی شیعیان را علیه رژیم هدایت کنند. چند ماه پیش از انتفاضه منطقه شرقی، الصفار، حرکت اصلاح شیعی را سازمانی برای انقلاب اسلامی در شبه جزیره (منظم الثورة الاسلامیه فی جزیره العرب) نامید. لذا «حسن الصفار» در کنار افرادی چون «فوزی السیف» و «محمود السیف» با تأسیس سازمان انقلاب اسلامی، در سخنرانی‌های خود در نوامبر ۱۹۷۹، مصادف با دهه نخست ماه محرم، تصویر اسلامی انقلابی و نوین را ترسیم کرد که شیعیان استان شرقی از آن آگاهی نداشتند. الصفار با بهره‌گیری از لحن و گفتاری متعالی، بر قدرت والایی که دین در اختیار شیعیان نهاده است، تأکید ورزید و معتقد بود که شیعیان، ضمن انجام فرایض و فرامین دین، سرانجام باید در مقابل ظالم قیام کنند. در شب ششم محرم سال ۱۴۰۰ ه. ق مصادف با ۲۵ نوامبر ۱۹۷۹م، شیعیان نقاط مختلف «قطیف» و «احسا»، پس از پایان بازخوانی واقعه عاشورا توسط شیخ حسن الصفار، به خیابان‌ها ریختند. با اجرای مراسم تعزیه شهادت حضرت عباس، حضرت علی اکبر و امام حسین علیهم السلام شور و هیجان مذهبی به اوج خود رسید. چند روز پیش از این نیز مسجدالحرام توسط گروهی از اهل تسنن به سرکردگی فردی به نام «جهیمان بن العتیبی» از اعضای گارد ملی عربستان سعودی که به نظام مذهبی و سیاسی آل سعود معترض بودند، تسخیر شده بود. این شورش‌ها که حکومت سعودی را با چالشی جدی مواجه کرده بود، در مدینه با کمک کماندوهای فرانسوی و در مناطق شیعه نشین با حضور بیست هزار نیروی گارد ملی، با کشته و مجروح کردن بیش از ۱۲۰ شیعه، سرکوب شد.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان و اقلیت‌های دینی.

### ج) حزب الله حجاز

حزب الله حجاز که در منطقه، به انصار خط امام خمینی علیه السلام معروف است، در سال ۱۴۰۷ق (۱۹۸۷م) به دست تنی چند از روحانیان مشهور، از جمله شیخ هاشم الشکوس، شیخ عبدالرحمان الجبیل و عبدالجلیل الما تأسیس شد. حزب الله به مذاکرات با دولت سعودی مخالفت شدیدی نشان داد و تأکید کرد که باورهای اصلی حزب، در وهله اول آن است که حکومت سعودی، نماینده همه جمعیت عربستان نیست. دوم، این حکومت واجد شرایط حکومت بر این کشور نیست. سوم، دولت سعودی فاسد و دروغگوست و چهارم اینکه کل جمعیت عربستان، به ویژه شیعیان باید با یکدیگر همکاری، و روابط خود را تقویت کنند و هوشیارانه برنامه‌های رژیم را زیر نظر بگیرند.

به اعتقاد گروه حزب الله، حکومت به تعهداتش پایبند نخواهد بود و پیش از آنکه مخالفان از فشار خود بکاهند، دولت باید حسن نیت خود را اثبات کند. سنت گرایان این گروه، کوچک‌ترین گروه‌بندی سیاسی اسلامی شیعیان عربستان است. آنها متشکل از تعداد معدودی از روحانیان مستقل هستند که فاقد هرگونه سازمان‌دهی اصولی اند. جناح محافظه‌کار در واقع، مجموعه‌ای از فتاوی‌های مذهبی صادر شده از سوی سید ابوالقاسم خوبی، مرجع عالی‌قدر شیعه در نجف را دستاویز خود برگزیده بودند. اینها معتقدند که جامعه شیعی در کل باید از سیاست ملی دوری کند و فقط بر امور جامعه شیعی متمرکز گردد. یکی از این روحانیان معترض، شیخ نمر النمر، امام مسجدی در روستای عوامیه در شمال قطیف است.<sup>۱</sup>

این جنبش‌ها برای حکومت دیکتاتوری عربستان سعودی، خزان هراس‌انگیزی را رقم زده است. این کشور که طی سالیان طولانی، خود را از کانون‌های مهم قدرت در خاورمیانه می‌دانست، با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شروع برخی حرکت‌های انقلابی و اسلامی

۱. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن، ص ۵۰.

در عربستان و سایر کشورهای مختلف منطقه، مرزهای بی‌ثبات دیکتاتوری خود را برای مقاومت در برابر این خیزش مردمی، از هر زمانی شکننده تر یافت. اما شکاف‌های مختلفی که در این کشور به چشم می‌خورد، بیشتر بر نگرانی سعودی‌های برای حفظ حکومت خویش می‌افزاید؛ «وجود اختلافات عمیق مذهبی و فرهنگی میان منطقه نجد و حجاز که همواره از دغدغه‌های اصلی حاکمان عربستان بوده، از جمله مهم‌ترین این چالش‌هاست. وجود اختلافات قومیتی میان شیعیان و سنی‌ها، اختلافات شدید بین نحله‌های مختلف سنی، درگیری میان شاهزادگان عربستان بر سر قدرت، بی‌اعتباری حاکمیت مطلقه آل سعود در محافل دانشگاهی و حقوق بشری و... تنها بخشی از شکاف‌های موجود در فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور عربستان است. معضلاتی که حتی با شروع یک حرکت بسیار کوچک مردمی در این کشور سر باز کرده و دیگر حاکمان این کشور عربی نخواهند توانست از انقلاب عظیم فکری و سیاسی جلوگیری کنند».<sup>۱</sup>

### ظرفیت‌های حج در صدور انقلاب اسلامی

حج از مهم‌ترین فریضه‌های دین اسلام است که در بسیاری از روایات و احادیث از آن به معادل تمام دین نیز نام برده‌اند. در قرآن کریم و برخی روایات، بسیاری از منافع و فواید آن برای مسلمانان ذکر شده است که از مهم‌ترین کارکردهای این فریضه عبادی- الهی، می‌توان به گسترش تقوا و تقویت دین، کسب پاکی و آمرزش گناهان، توشه آخرت، اوج عبادت و بندگی و کسب معرفت و معنویت، برپایی دین و مذهب، ترک کفر و شرک، افزایش تعاون و همکاری و ایجاد وحدت و همدلی اشاره کرد. آیه مبارکه ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾<sup>۲</sup> بیان می‌دارد که کعبه، وسیله

۱. «عربستان: بیداری اسلامی و دیکتاتوری عربی»، مهسا ماه پیشانیان، ۱۳۹۰، ص ۳۵.

۲. مائده: ۹۷.

قوام زندگی مادی و معنوی مردم است. پس اگر این خانه رها شود، وسیله قوام هم از بین خواهد رفت و باعث هلاکت مردم می‌گردد. همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ به هشام بن حکم درباره علل حج فرمود: «ولو كان كل قوم انما يتكلمون علي بلادهم وما فيها، هلكوا»<sup>۱</sup>. بنابراین، نه تنها حیات مردم به حج و کعبه بستگی دارد، بلکه حیات دین هم به حج و کعبه گره خورده است.

علاوه بر کارکردهای عبادی و معنوی حج، آثار و برکات سیاسی و اجتماعی بسیاری نیز بر این فریضه الهی مترتب است که تمسک به آنها می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات کشورهای اسلامی باشد. از همین رو انقلاب اسلامی ایران، با بهره‌گیری از این بزرگ‌ترین فریضه الهی، و با موفقیت خویش، نوید پیروزی بر دیکتاتوری و حکومت‌های مطلقه را نه تنها در ایران و کشورهای منطقه خاورمیانه سر داد، بلکه فراتر از آن، در سراسر جهان، استقلال و آزادی و بازگشت به معنویت و دیانت را سرلوحه اهداف و آرمان‌های خویش قرار داد و توانست موجی از جنبش‌ها و حرکت‌های آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبانه را در کشورهای منطقه، به‌ویژه در کشورهای همسایه به راه اندازد و مردم منطقه را رو در روی امپریالیسم و استکبار جهانی و حکومت‌های دست‌نشانده غرب قرار دهد. گفتنی است این امر، مهر تاییدی است بر توانمندی و ظرفیت‌های عظیم حج در صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورهای منطقه و جهان اسلام.

امام خمینی علیه السلام معتقد بود پس از انقلاب اسلامی، از تحولات ذاتی مردم ایران، اعتقاد به این امر است که مردم دارای حق هستند و حکومت، وظیفه دارد این حق را رعایت کند و حرمت آن را نگه دارد. بر همین اساس از مهم‌ترین توصیه‌های امام در دیدارهای

۱. وسائل الشیعه، حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۲۱؛ بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۹۶، ص ۱۹.

مکرری که با مردم و مسئولان داشتند، توجه به حقوق مردم و تجاوز نشدن به آنها و جلوگیری از وارد شدن ظلم به افراد جامعه است.<sup>۱</sup> در نگاه امام خمینی، «اسلام هم حقوق بشر را محترم می‌شمارد، و هم عمل می‌کند. حقی را از هیچ کس نمی‌گیرد. حق آزادی را از هیچ کس نمی‌گیرد. اجازه نمی‌دهد که کسانی بر او سلطه پیدا کنند که حق آزادی را به اسم آزادی از آنها سلب کند».<sup>۲</sup>

زائران ایرانی باید این اصل را به سایر زائران و مسلمانان حاضر در حج تبیین کرده و تبلیغ کنند که اسلام و حکومت اسلامی، پدیده‌ای است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن را دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فساد و تجاوزها بکشد و انسان را به کمال مطلوب خود برساند. مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است.<sup>۳</sup>

حج باید مستمسکی باشد برای بیان آموزه‌های انقلاب اسلامی، همان‌گونه که انقلاب اسلامی به جهانیان آموخت که مشروعیت نظام سیاسی باید بر آرای واقعی مردم استوار باشد. در جمهوری اسلامی ایران، به فراندوم گذاشتن اصل انقلاب، خود گواهی بر این مدعاست. به فراندوم گذاشتن یک نظام، نه فقط عملی شگفت، شجاعانه و سخنی نو به شمار می‌آید، بلکه اندیشه‌ای فراتر از دموکراسی غربی بود. از این رو به عنوان بدیلی برای جهان خسته از لیبرال دموکراسی مطرح شد. در این

۱. حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مقصود رنجبر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴.

۲. صحیفه امام، امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۶۹.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۱۷۶.



انقلاب، حتی مردم، خبرگانی را برمی‌گزینند تا تدوین قانون اساسی، براساس رأی مردم باشد. پس از تدوین نیز به آرای عمومی مراجعه می‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین، می‌توان حج را فرصت گران‌قدری برای گسترش ایده‌های نظری انقلاب اسلامی و تسری آرمان‌های متعالی دین مبین اسلام به تمام اقصا نقاط جهان دانست؛ حج فرصت کم‌نظیری است که می‌توان با کمک آن، سایر مسلمانان جهان را از ماهیت آرمان‌های انقلاب اسلامی آگاه کرد و پیام‌ها و مؤلفه‌های انقلاب را که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، به گوش سایر مسلمین جهان رساند.<sup>۲</sup>

حضرت امام علیه السلام برخلاف کسانی که معتقد بودند ما نمی‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم و اساساً انقلاب صادرشدنی نیست، همواره بر لزوم صدور انقلاب تأکید می‌فرمودند و آن را یک تکلیف اسلامی می‌دانستند و مبنا و علت صدور انقلاب را نیز همین اسلامی بودن انقلاب و محتوای آن را مبارزه با استکبار و به استضعاف کشیدن ملت‌ها می‌دانستند:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا جایی که بانگ «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» در تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.<sup>۳</sup>

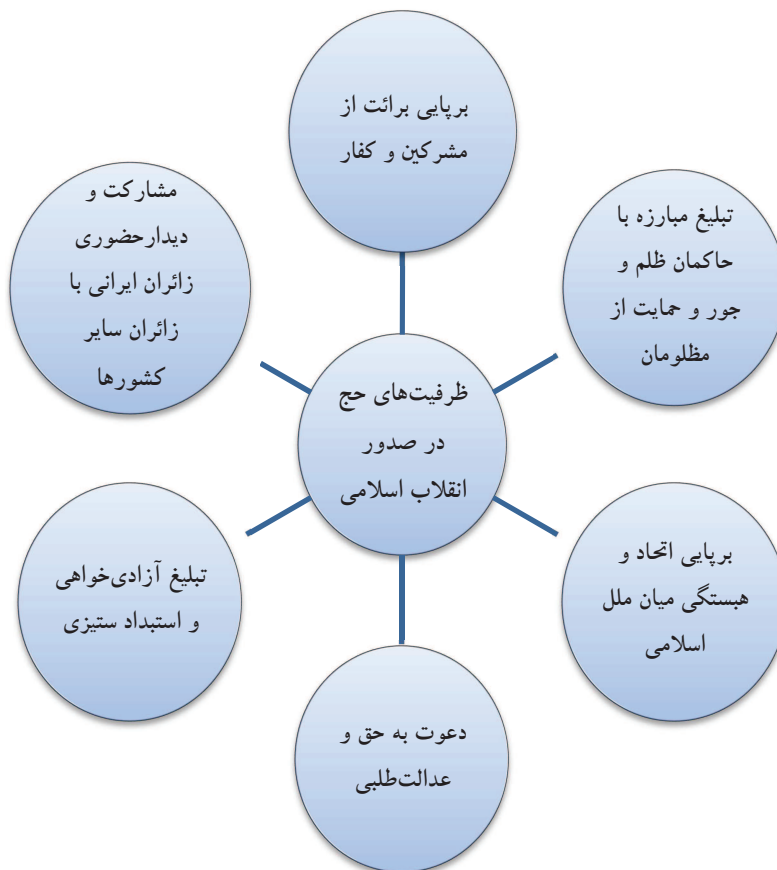
۱. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۷۵۲.

۲. صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۳۲۱-۳۱۴.

۳. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

در شکل زیر به صورت فهرست وار، گوشه‌ای از مهم‌ترین توانمندی‌های حج در صدور

انقلاب اسلامی مشاهده می‌شود:



شکل ۱- ترسیم توانمندی‌های حج در صدور انقلاب اسلامی

از بهترین و مهم‌ترین راهکارهای انقلاب اسلامی ایران، برای معرفی نظام اسلامی خویش و صدور آرمان‌ها و اهداف آن، حضور زائران ایرانی در ایام حج و برگزاری مراسم برائت از مشرکین است. همچنین همان‌طور که در شکل ۱ ترسیم شده است، برپایی و تبلیغ اصول ذیل در مراسم حج، می‌تواند مهم‌ترین راهکار برای معرفی و

صدور انقلاب اسلامی به مسلمانان سایر کشورها باشد:

- برپایی براءت از مشرکین و کفار؛
  - تبلیغ مبارزه با حاکمان ظلم و جور و حمایت از مظلومان؛
  - برپایی اتحاد و هبستگی میان ملل اسلامی؛
  - دعوت به حق و عدالت طلبی؛
  - تبلیغ آزادی خواهی و استبدادستیزی؛
  - مشارکت و دیدار حضوری زائران ایرانی با زائران سایر کشورها.
- برپایی و اجرای موارد فوق، از آنجایی که برخاسته از مبانی و اصول دین اسلام و مبین فلسفه وجودی حج بوده و در گفتمان انقلاب اسلامی به کار گرفته شده است، هر ساله با استقبال سایر زائران کشورهای مختلف نیز مواجه بوده است.
- اما نظام سلطانی آل سعود که به همراهی وهابیت و حمایت امپریالیسم غربی در عربستان قدرت را در دست گرفته است و انقلاب اسلامی و گسترش آن به سایر کشورهای منطقه و تبلیغ آن در میان سایر ملل مسلمان و آزادی خواه را خطری برای حکومت خویش می بیند؛ در موضع گیری علیه انقلاب اسلامی، همواره کوشیده است با توسل به طرق مختلف، از قدرت و نفوذ انقلاب اسلامی در میان حجاج اسلامی و گسترش آن در عربستان و سایر کشورهای منطقه جلوگیری کند.
- با توجه به فرمایشات حضرت امام علیه السلام می توان اصول و مبانی صدور انقلاب را استخراج نمود. حضرت امام علیه السلام، این مبارزه با استکبار و استضعاف کشیدن ملت ها را در یک نبرد و تقابل نظامی ایران با کشورها نمی داند، بلکه راه آن را روشنگری و آگاه نمودن ملت ها می داند که فرایندی فرهنگی است که باید با استفاده از ابزارهای فرهنگی مثل وسایل ارتباط جمعی صورت گیرد و گروه هدف را ملت ها می داند که اگر

بیدار شوند، سرنوشت خویش و دولت‌های خود را نیز تغییر خواهند داد و این آگاهی ملت‌هاست که باعث اصلاح اوضاع آنها خواهد شد.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

حکومت عربستان که مبین نظام سلطانیسم در این کشور است، می‌کوشد از یک‌سو با قرار دادن پایه‌های مشروعیت خویش در سنت و آیین وهابیت و از سوی دیگر برای تثبیت و تداوم حکومت خویش، به غرب و بهره‌گیری از ابزار و ادوات مدرن غربی روی آورد. از این‌رو علاوه بر مذهب وهابیت که در غیریت با مبانی و مؤلفه‌های شیعی می‌باشد، ساخت سیاسی حکومت که مبتنی بر پادشاهی استبدادی است و وابستگی به استعمار غرب و نگرانی و ترس از شکل‌گیری جنبش‌های شیعی در عربستان نیز از مهم‌ترین عواملی اند که موجبات مخالفت عربستان با صدور انقلاب اسلامی را در منطقه فراهم می‌آورد. البته باید تلاش‌های عربستان را در رقابت با جمهوری اسلامی ایران، در کسب قدرت اول منطقه نیز به این عوامل افزود. اما تأکیدی که بر جایگاه حج در امر صدور انقلاب اسلامی وجود دارد، به سبب جایگاه برتر و کنگره عظیم اسلامی است که هر سال به‌صورت منظم و در موعد مقرر، با حضور بیش از ده‌ها هزار نفر از سراسر مسلمانان عالم تشکیل می‌شود. خداوند نیز در قرآن کریم، بارها به اهمیت و جایگاه رفیع حج اشاره کرده، و انقلاب اسلامی ایران نیز مهم‌ترین مبانی و اصول خویش را از همین آموزه‌های حج و فلسفه وجودی آن اخذ کرده است. بنابراین، علاوه بر توانمندی‌های حج که در متن مقاله به آنها اشاره شد، از مهم‌ترین اصول اساسی انقلاب اسلامی که می‌توان با بهره‌گیری از آنها در حج، به صدور مبانی انقلاب اسلامی و احیای بیداری اسلامی پرداخت، عبارت‌اند از:

۱. سیاست صدور انقلاب اسلامی، علی فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴، صص ۷۲ و ۱۳۹.

۱. برپایی آموزه توحید و پیروی از تعالیم قرآن و سنت؛
۲. بازگشت به اصول اولیه مکتب اسلام؛
۳. تلاش برای اتحاد مسلمین زیر پرچم اسلام، برای دستیابی به اهداف سیاسی؛
۴. برپایی آموزه‌ها و احکام اصیل اسلامی و تدوین قوانین براساس آموزه‌ها و دستورات اصیل اسلام؛
۵. تفکر عقلانی و ایجاد آگاهی سیاسی؛
۶. تبلیغ آزادی خواهی و ترویج فرهنگ استقلال خواهی؛
۷. یادآوری مجد و عظمت تمدن اسلامی در تقابل با فرهنگ و تمدن غربی.

### منابع

#### \* قرآن کریم

۱. احمد علی الشمر، الحقوق المشروعة للمواطنين الشيعة تبدأ من هنا، سایت شمس العوامية، ۲۰۱۱/۴/۱۵.
۲. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن، مجله اخبار شیعیان، ش ۳۶، آبان ۱۳۸۷.
۳. «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه‌ها)»، مرتضی شیرودی، فصلنامه علمی — پژوهشی انقلاب اسلامی، ش ۱۶، بهار ۱۳۸۸.
۴. انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان، علی عمرانی درگاهی، چ ۱، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج سپاه، ۱۳۸۱.
۵. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۶. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین الملل، محمدرضا دهشیری، چ ۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
۷. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، چ ۲، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۴۰۲.ق.
۸. «پهلوی‌ها و سلطانیسم ماکس وبر»، حسن شمسینی غیاثوند، ماهنامه زمانه، ش ۲۳، تیرماه ۱۳۸۷.
۹. تاریخ العربية السعودية، الکیسی فاسیلییف، الترجمة، خیری الضامن و جلال الباطشه، انتشارات دار التقدم مسکو، ۱۹۸۶ م.

۱۰. جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، هریر دکمجیان، ترجمه حمید احمدی، چ ۵، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۸.
۱۱. حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مقصود رنجبر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۲. درسنامه وهابیت، پیدایش، جریان‌ها و کارنامه، سیدمهدی عزیزاده موسوی، حوزه نمایندگی ولایت فقیه در حج و زیارت، چ ۱، ۱۳۹۲.
۱۳. «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، محمود واعظی، فصلنامه میقات حج، سال شانزدهم، ش ۶۴، تابستان ۱۳۸۷..
۱۴. ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان و اقلیت‌های دینی، علی حق‌شناس کمیاب، روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۹/۴/۲.
۱۵. سایت‌های اینترنتی.
۱۶. السعودية بین الاستبداد والديمقراطية، عبدالمجید محمد، [www.cdhrab.net/com/org](http://www.cdhrab.net/com/org)
۱۷. «سلطانیسم ماکس وبر و انطباق آن بر عثمانی و ایران»، عبدالله شهبازی، تاریخ معاصر ایران، ش ۲۵، بهار ۱۳۸۲.
۱۸. سیاست صدور انقلاب اسلامی، علی فلاح‌نژاد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۹. شیعیان در جهان عرب مدرن عربستان سعودی، ابراهیم، فؤاد، مترجم، رضا سیمبر، چ ۱، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.
۲۰. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام، سید روح‌الله خمینی، چ ۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵.
۲۱. عربستان سعودی، ویلیام گودوین، مترجم فاطمه شاداب، چ ۱، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳.
۲۲. «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، حسین دهشیار، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲.
۲۳. «عربستان؛ بیداری اسلامی و دیکتاتوری عربی»، مهسا ماه‌پیشانیان، مجله پگاه حوزه، ش ۳۰۵، تیرماه سال ۱۳۹۰.

۲۴. «کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سلطانیسم ایرانی»، عباس منوچهری، تاریخ معاصر ایران، سال اول،

ش ۴، زمستان ۱۳۷۶.

۲۵. متفکران بزرگ جامع‌شناسی، راب استونز، ترجمه مهرداد میردامادی، ج ۴، تهران، انتشارات مرکز،

۱۳۸۵.

۲۶. نظام‌های سلطانی، خوان لینز و هوشنگ شهابی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران، نشر و پژوهش

شیرازه، ۱۳۸۰.

۲۷. وسایل الشیعه، حر عاملی، تحقیق ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.